

بررسی عوامل میدانی مرتبط با هویت دانشگاهی

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: شهریور ۱۳۹۹

مهناز فرهنگد، محمد مهدی نمازی^۲

^۱ دانشیار و عضو هیئت علمی، دانشکده علوم اجتماعی، یزد
^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد، جامعه شناسی، دانشگاه یزد

نویسنده مسئول:

محمد مهدی نمازی

چکیده

دانشگاه یکی از نهادهای اجتماعی پراهمیت در جوامع مدرن است که نقشی محوری در تولید دانش و تربیت دانشمندان و دانشجویان دارد. جایگاه کلیدی این نهاد، وجود یک هویت متمایز را برای دانشگاهیان ضروری می‌نماید. هویتی که فرد دانشگاهی بواسطه آن به عضویت جامعه علمی درمی‌آید و رفتارهای خود را با ارزش‌های علم منطبق می‌سازد. پژوهش حاضر به شیوه پیمایش به بررسی هویت دانشگاهی و عوامل میدانی موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه یزد می‌پردازد. داده‌ها با ابزار پرسشنامه گردآوری شد و نمونه‌گیری به شیوه تصادفی طبقه‌ای صورت گرفت که در آن افراد در طبقاتی حول سه متغیر جنسیت، رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی تقسیم‌بندی شدند. این پژوهش با تکیه بر نظریات بوردیو انجام پذیرفت. نتایج نشان می‌دهد در مجموع ۷۴ درصد پاسخگویان در شاخص کل هویت دانشگاهی نمراتی متوسط کسب کردند و میانگین هویت دانشگاهی در ابعاد اخلاقی، انتقادی و علمی بیش از میان نمرات است. نتایج تحلیل استنباطی نشان داد که متغیرهای فرهنگ آموزشی، سرمایه فرهنگی دانشجویان، ساختار خانواده و شرکت در اجتماعات دانشجویی بر هویت دانشگاهی اثری معنادار دارند. خروجی تحلیل چندمتغیره نیز نشان داد که مجموع چهار متغیر نامبرده به‌علاوه متغیر مقطع تحصیلی ۴۲ درصد از واریانس هویت دانشگاهی را تبیین می‌کنند. از این بین متغیر فرهنگ آموزشی بیشترین تاثیر را بر هویت دانشگاهی دارد.

کلمات کلیدی: هویت دانشگاهی، فرهنگ آموزشی، سرمایه فرهنگی دانشجویان، اجتماعات دانشجویی.

مقدمه

جوامع انسانی در دنیای ما پر از نهادهای اجتماعی گوناگونی است که هر کدام برای اهداف مشخصی ایجاد شده‌اند. این نهادها مطابق با هدف‌گذاری‌هاشان و متأثر از نوع نیازی که برطرف می‌کنند؛ ساختارها و سازوکارهای ویژه‌ای برمی‌سازند. برخی از این ساختارها که جنبه‌ای رسمی‌تر دارند به شکل قوانین درمی‌آیند و برخی دیگر شکلی توافقی و هنجارین به خود می‌گیرند. به هر روی بازده هر نهاد اجتماعی تا حدود زیادی به همخوانی ساختارها با اهداف نهایی بستگی دارد. دانشگاه یکی از مهمترین نهادها در جوامع مدرن است که نقشی محوری در هدایت جامعه به سمت توسعه و پیشرفت ایفا می‌کند. بسیاری از صاحب‌نظران بدرستی یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های دنیای جدید را علم‌گرایی نامیدند. توجه ویژه به علم یکی از نقاط تمایز تمدن نوین نسبت به دوره‌های پیش از خود است. از طرفی دانشگاه اگر نگوییم مهمترین یکی از مهمترین نهادهایی است که عهده‌دار تولید و ترویج علم در جامعه است. از این روی ضروری می‌نماید که ساختارها و رویه‌های حاکم بر آن را در پرتو اهداف اصیل علم مورد واریسی دقیق قرار داد. مفهوم هویت دانشگاهی در میانه چنین ضرورتی اهمیت می‌یابد. از آنجا که این مفهوم هنجارها و رویه‌های حاکم بر محیط دانشگاهی را با اهداف غایی نهاد علم پیوند می‌زند؛ لازم است کوشش‌های مستمری هم برای تعریف حدود و ابعاد آن و هم برای سنجش قوت و قدرت آن در صحنه حیات دانشگاهی صورت پذیرد.

از همین رو در پژوهش حاضر می‌کوشیم هویت دانشگاهی و عوامل اجتماعی موثر بر آن را مورد بررسی قرار دهیم. این بررسی با تکیه بر نظریات بوردیو صورت پذیرفته است. با توجه به مجموعه نظری بوردیو ابتدا دو میدان اثرگذار بر متغیر هویت دانشگاهی از هم متمایز شد و سپس متغیرهای مستقل با تاکید بر مولفه‌های موجود در میدان دانشگاه و میدان-های اثرگذار دیگر شناسایی شد. در این پژوهش که بین دانشجویان دانشگاه یزد انجام پذیرفت با توجه به پیشینه تحقیقاتی در دسترس و پشتوانه نظری موجود، چند متغیر از جمله فرهنگ آموزشی، سرمایه فرهنگی دانشجوی، اجتماعات دانشجویی و ساختار خانواده بررسی شدند. متغیرهای فرهنگ آموزشی و اجتماعات دانشجویی به میدان دانشگاهی و متغیرهای سرمایه فرهنگی دانشجوی و ساختار خانواده به میدان‌هایی بیرون از دانشگاه تعلق دارند.

بیان مسئله

از زمان ورود نهاد دانشگاه به ایران، تعلق به جامعه دانشگاهی، همواره نحوه خاصی از زیست انسانی را تداعی می‌کرده است. دانشگاهیان عموماً حاملان ارزش‌ها و سبک‌های زندگی خاصی بودند که آن‌ها را نزد عموم مردم قابل احترام می‌گرداند. ویژگی‌هایی همچون جست‌جوگری، نکته‌سنجی، سخت‌کوشی در عرصه تحصیل دانش و پرهیز از تساهل در پذیرفتن اطلاعات جدید از جمله بارزترین صفات افراد دانشگاهی محسوب می‌شود. در واقع آنچه که یک فرد دانشگاهی را از سایرین متمایز می‌سازد، هویت خاص وی است. این هویت، خود را به شکل مجموعه از رفتارها، عمل‌ها و باورها نشان می‌دهد که فرد دانشگاهی را در چشم عموم مردم عزتمند می‌گرداند. دانشجویان با ورود به دانشگاه و اجتماع آکادمیک، اساساً وارد فضایی جدید، یا به بیان بوردیو، میدانی جدید می‌شوند. فضایی که در آن خرده فرهنگ‌های مختلفی از قبیل رشته‌ای، دیپارتمانی و سازمانی وجود دارد و در تقاطع این خرده فرهنگ‌هاست که هویت دانشگاهی شکل می‌پذیرد. انسان دانشگاهی در هر رشته تحصیلی باید علاوه بر مجموعه‌ای از دانش‌ها و اطلاعات فنی و تخصصی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای اخلاقی و نگرش‌های خاص را بشناسد، آن‌ها را باور کند و درونی سازد (فاضلی، ۱۳۸۷: ۵۸). قدرت دانشگاه در برساختن نوعی هویت دانشگاهی^۱ و جهت‌دهی به فرهنگ عمومی اگر نگوییم اصلی‌ترین، یکی از مهم‌ترین رسالت‌های این نهاد اجتماعی است. در سطح اجتماعی به نظر می‌رسد، فقدان هویت دانشگاهی، رشد علم و توسعه اجتماعی را در بسیاری از ابعاد با چالش جدی مواجه می‌سازد. بسیاری از متغیرهای اثرگذار در توسعه علمی و صنعتی به طور مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از فرهنگ دانشگاهی شکل می‌پذیرد. همچنین در سطح میانی جامعه، هویت دانشگاهی در تعاملات اعضای جامعه دانشگاهی با نهادهای دیگری همچون خانواده نقش پررنگی ایفا می‌کند. در کشور ایران که کسر قابل توجهی از جامعه را جوانان تشکیل می‌دهند علی‌الخصوص شکاف‌های بین نسلی بیش از همیشه رخ نموده است. این شکاف‌ها تا حدود قابل توجهی از طریق یک الگوی عمل فرهنگی مشترک نظیر آنچه هویت دانشگاهی پیش‌روی می‌نهد پرشدنی است (باقریان فر، ۱۳۹۷: ۱۲).

¹ academic identity

از طرفی امروزه با توسعه کمی دانشگاه‌ها و افزایش تعداد دانشجویان، لزوم واریسی هویت دانشگاهی بیش از گذشته احساس می‌شود. اینکه دانشگاه‌ها هنوز به کیفیت گذشته قادر به تولید انسان‌هایی با روحیات و خصائص ویژه دانشگاهی هستند، پرسش مهمی است که یکی از دل‌مشغولی‌های اصلی پژوهش پیش‌رو است. در گذشته تعداد محدودتری دانشجویان و البته، تعداد کمتری دانشگاه و شرایط سخت‌تری برای پذیرفته شدن در دانشگاه وجود داشته است و افرادی که به تحصیل علاقه بیشتری داشتند؛ وارد دانشگاه می‌شدند. این امر موجب می‌شد که افراد با انگیزه بیشتر به علم آموزی بپردازند اما تغییرات سریع و پرشتاب دهه‌های اخیر و دگرگونی در عرصه‌های مختلف، هویت و فرآیند هویت‌یابی را با چالش‌هایی روبرو ساخته است. در سال‌های اخیر تعداد دانشجویان افزایش چشم‌گیری یافته است. جمعیت کشور نسبت به سال ۱۳۵۷ دو برابر شده، اما تعداد دانشجو رشد ۲۵ برابری داشته است (افراسیابی، ۱۳۹۴: ۳). امروزه برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نهاد دانشگاه در ایران ضعف‌های جدی در جامعه‌پذیری و درونی‌سازی ارزش‌ها و شکل‌دهی به هویت دانشگاهی دارد. نبود روحیه پژوهشگری و تحقیق، نبود فرهنگ مشارکت و روحیه علم‌گرایی، نبود تعامل علمی دانشجویان با اساتید و دانشجویان خارج از کشور، فقدان فرهنگ نقد و نقدپذیری در اجتماعات دانشگاهی، گرایش به پیروی از ضد‌هنجار علم، فردگرایی در آموزش، موفقیت و پیشرفت تحصیلی، از جمله مواردی است که در این پژوهش‌ها به چشم می‌خورد (همتی، ۱۳۹۳: ۵۶۰).

به‌طور کلی تحقیق بر روی هویت دانشگاهی چشم‌انداز روشنی از فرصت‌ها و تهدیدها پیش‌روی می‌نهد که برای سیاست‌گذاری‌های کلان و برنامه‌های مربوط به توسعه در نهاد دانشگاه متمر ثمر خواهد بود. نتایج پژوهش پیش‌رو و تحقیقات مشابه به مدیران دانشگاهی و برنامه‌ریزان عرصه آموزش عالی کمک می‌کند تا با شناختی بهتر نسبت به موانع آموزش در ایران دست به تدوین برنامه‌های کلان ببرند.

پیشینه پژوهش

باقریان فر و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "تبیین مولفه‌های هویت اجتماعی دانشجویان بر اساس استفاده از برنامه‌های پیام‌رسان" به بررسی نمونه‌ای از دانشجویان کارشناسی دانشگاه اصفهان پرداختند. این پژوهش نشان داد که برنامه‌های پیام‌رسان رابطه منفی با هویت‌های اجتماعی دانشجویان دارد.

تمنا و صمدی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان "رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی" به بررسی نمونه ۳۱۰ نفری از دانشجویان دانشگاه پیام نور اهر پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان داد بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

افراسیابی و خوباری (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان "هویت دانشجویی و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشگاه-های یزد" به روش پیمایش به بررسی ۴۵۰ نفر از دانشجویان تمامی دانشگاه‌های یزد در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که هویت دانشجویی برحسب نوع دانشگاه، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی و حق انتخاب تغییر می‌کند. همچنین متغیرهای سرمایه اجتماعی، چشم‌انداز شغلی، امید به آینده، رشته تحصیلی و درآمد خانواده مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده هویت دانشجویی تشخیص داده شدند.

باقری حیدری (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل موثر بر هویت دانشگاهی در بین دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور، آزاد و غیرانتفاعی" با روشی پیمایشی به مطالعه عوامل درون دانشگاهی موثر بر متغیر هویت دانشگاهی پرداخته است. در این تحقیق تاثیر عواملی همچون سرمایه فرهنگی دانشجویان و نوع دانشگاه بر هویت دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق وجود تفاوت معنی‌دار بین دانشگاه‌های مورد بررسی از حیث هویت دانشگاهی را نشان می‌دهد. همتی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان، "عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت دانشگاهی دانشجویان با تاکید بر نقش اینترنت" به بررسی نمونه‌ای از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از توسعه ناموزون گونه‌های هویت دانشگاهی بود. به صورتی که هویت مشروعیت‌بخش نسبت به هویت مقاومت و برنامه‌دار توسعه-ی بیشتری در میان دانشجویان داشت.

وایت (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "روش‌های ترکیبی برای بررسی روابط بین هویت نژادی، هویت علمی و موفقیت علمی دانشجویان آفریقایی آمریکایی" با دو روش کمی و کیفی به بررسی دانشجویان پرداخته است. نتایج نشان داد ارتباط معنی‌داری بین هویت علمی و هویت نژادی وجود دارد.

لوزون^۲ (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان "ساخت هویت‌های دانشگاهی آنلاین" به بررسی وبلاگ‌های علمی محققان و دانشجویان می‌پردازد و نقش آن‌ها را در شکل‌گیری هویت دانشگاهی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. لوزون نتیجه می‌گیرد گسترش علم در قالب این وبلاگ‌ها باعث عرفی شدن بیشتر زبان علم گشته و همین مسئله هویت دانشگاهی بر ساخته ازین محیط را به هویت‌های بدنه عمومی مردم نزدیک کرده است.

کوماراجو^۳ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان "هویت دانشگاهی و نسبت آن با انگیزه و اهداف" در دو مرحله به سراغ دانشجویان دانشگاه هاروارد آمریکا رفته است. نتایج نشان داد که هویت دانشگاهی همبستگی معناداری با معیارهای صریح عزت‌نفس، اعتمادبنفس ضمنی، یادگیری و مشارکت پذیری افراد دارد.

دافی^۴ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان نقش‌های دانشگاهی و شکل‌گیری هویت‌های شخصی دانشگاهی، به بررسی نقش مربیان آموزشی در شکل‌گیری هویت شخصی دانشجویان در دانشگاه دربی انگلستان پرداخته است. داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق جمع‌آوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که شرکت کنندگان با در نظر گرفتن هویت شخصی دانشگاهی، چالش‌های متعددی را تجربه کرده‌اند. آنچه بر شکل‌گیری هویت دانشگاهی موثر است؛ از نظر مربیان، تجربه زیسته دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه، میزان تأیید شدن در محیط دانشگاه و تثبیت و به‌روز بودن اطلاعات در طول زیست دانشجویی است.

مبانی نظری

نظریه بورديو در مورد میدان دانشگاهی و کار پژوهشی وی بر روی دانشگاه‌های فرانسه مرجع و راهنمای اصلی فرضیه-سازی در این پژوهش بوده است. متغیرهای مستقل پژوهش یا به شکلی مستقیم و یا به گونه‌ای استنباطی از مجموعه نظری بورديو استخراج شده‌اند. با این حال از جنبه پارادایمی، تحقیق با پیش‌فرض‌های اثباتی کار می‌کند. به همین سبب آن دسته از مفاهیم و تحلیل‌های بورديو که قابلیت طرح شدن در یک چنین فضایی را داشتند؛ مورد توجه قرار گرفتند. همچنین جهت روشن ساختن ابعاد مفهوم هویت دانشگاهی از نظرات مرتون، هنکل، کلارک و کلاگ استفاده شد.

بورديو که یکی از نظریه‌پردازان مهم در بحث هویت دانشگاهی می‌باشد؛ از پس دوگانه‌های مرسوم عالم جامعه‌شناسی می‌آید و در پی تلفیق عاملیت و ساختار است تا یکی از قدیمی‌ترین چالش‌های نظری در حوزه نظری‌پردازی جامعه-شناسانه را حل و فصل کند. او برای این کار، دست به خلق دو مفهوم اصلی و مهم خود یعنی عادت‌واره^۵ و میدان^۶ می‌زند. بورديو معتقد است عادت‌واره‌ها همان هدایت‌کنندگان اصلی عمل و رفتار هستند. یک عادت‌واره تحت تاثیر یک زمینه خاص یا یک میدان خاص شکل می‌پذیرد و در عین حال عناصر خلاقانه و فردی را نیز می‌توان در آن دید. میدان از نظر بورديو مجموعه‌ای از روابط است که افراد در جایگاه‌های اجتماعی باهم برقرار می‌سازند (ریترز، ۲۰۰۱: ۶۷۵). از نظر بورديو هر میدان اجتماعی سرمایه ویژه خود را دارد. همان‌گونه که در یک میدان اقتصادی پول به عنوان نماد سرمایه اقتصادی، افراد را در مناسبات قدرت متمایز می‌کند در دانشگاه نیز سرمایه دانشگاهی افراد، آن‌ها را در جایگاه-های متفاوتی از حیث قدرت قرار می‌دهد. او در کتاب انسان دانشگاهی سازوکارهای دانشگاه به مثابه یک میدان را بررسی می‌کند و دانشگاه را مانند بسیاری از حوزه‌های اجتماعی-حرفه‌ای، میدانی در نظر می‌گیرد که در آن با نوعی تقسیم امتیازات مادی مواجه هستیم. سرمایه دانشگاهی خود ترکیبی از چند نوع سرمایه، همانند سرمایه علمی و سرمایه سیاسی است. اما آن نوع سرمایه‌ای که نقش اساسی‌تری در نظریه بورديو بازی می‌کند، سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی، اندوخته‌ای متشکل از عناصر فرهنگی معیاری است که دانشجو در محیط زندگی خویش، قبل از ورود به میدان دانشگاه یا در حین آن کسب کرده است. او معتقد است عناصری از فرهنگ که به عنوان سرمایه در میدان دانشگاهی شناخته می‌شوند با عادت‌واره دانشگاهی موافقت و هم‌خوانی دارد و باعث تقویت آن می‌شود. این عناصر فرهنگی از نظر

² Luzon

³ Komarraju

⁴ Duffy

⁵ Habitus

⁶ Field

بوردیو با فرهنگ طبقات بالا در جامعه موافقت بیشتری دارد. بنابراین این افراد سازگاری بیشتری با عادت‌واره دانشگاهی پیدا می‌کنند و با موفقیت بیشتری ارزش‌های محیط دانشگاه را درونی می‌سازند. از طرفی عادت‌واره‌های ساختار یافته در خانواده و میزان فاصله آن‌ها با عادت‌واره‌های مطرح در نظام آموزش و پرورش، تعیین کننده آینده علمی دانشجویان است. یعنی میزان تسلط به زبانی که زبان معیار آموزش است؛ تعیین کننده میزان موفقیت دانشجو در آینده می‌شود (مجیدی، ۱۳۹۶: ۱۱۲). خانواده هم از طریق اثرگذاری بر سرمایه فرهنگی دانشجو و هم بطور مستقل و از طریق ایجاد نوعی طرح‌واره ذهنی برای فرد، نقش مهمی در قبول هویت دانشگاهی یا امتناع از آن دارد. بوردیو همچنین معتقد است، هویت دانشگاهی در سطح نهادی شکل می‌گیرد. یعنی فرد با قرار گرفتن در یک نهاد اجتماعی واجد نوعی از هویت می‌شود و ترتیبات آن نوع خاص از هویت نیز در درون ساختارهای نقش موجود در نهاد تعیین می‌شود. هنکل نیز معتقد است که هویت دانشگاهی محصول تعامل فرد با ساختارها، قوانین و رویه‌های دانشگاهی است. به عبارت دیگر اگر خانواده به عنوان یک نهاد بیرونی عاملی اثرگذار در پذیرش یک هویت دانشگاهی است، فرهنگ موجود در دانشگاه بطور مستقیم شکل‌دهنده و تعیین کننده این هویت است. هنکل معتقد است که هویت دانشگاهی تابعی از عضویت در جامعه دانشگاهی است. "در حقیقت هویت دانشگاهی از رهگذر تعامل فرد با دو چیز مهم شکل می‌پذیرد: یکی قوانین و دیگری نهادهای آموزش عالی" (هنکل، ۲۰۰۵: ۱۷۲). او معتقد است ساختارها توانایی سابق خویش در محافظت از یک نوع هویت دانشگاهی خاص را از دست داده‌اند، با این حال این ساختارها کماکان نیروهای قابل توجهی در شکل دادن به هویت دانشگاهی محسوب می‌شوند. آن‌ها توسط اعضای نخبه جامعه دانشگاهی حمایت و تقویت می‌شوند و در مکانیزم‌های تعیین منزلت نقش محوری ایفا می‌کنند.

مرتون از جنبه دیگر به الزامات نهاد علم اشاره می‌کند. از نظر او مجموعه‌ای از ارزش‌ها برای جامعه علمی ضرورت اساسی دارد. اخلاقیات علمی که مرتون به دلیل ضرورت کارکردی‌شان آن‌ها را الزامات نهادی می‌داند، بدین شرح توصیف می‌شوند: الف) عام‌گرایی؛ براساس این الزام، علم کاملاً مستقل از مرزهای ملی، نژادی و اعتقادی بوده و دعاوی حقیقت را صرف‌نظر از منابع آن‌ها، می‌باید در معرض معیارهای غیرشخصی اعتبار قرار داد. ب) اشتراک یا ماهیت عمومی دانش؛ یافته‌های جوهری علم، محصول همکاری اجتماعی و جهانی‌اند، بنابراین به جامعه کلی و به بشریت تعلق دارند. ج) شک سازمان یافته؛ تعلیق قضاوت تا آشکار شدن واقعیت‌ها و بررسی بی‌طرفانه گمان‌ها، بر حسب معیارهای تجری و منطقی، از ویژگی‌های نهاد علم است. د) بی‌غرضی و بی‌تفاوتی عاطفی (قانعی را، ۱۳۸۴: ۱۳۸).

دانشگاه به‌عنوان یکی از جدی‌ترین نهادهای اجتماعی علم باید هویتی استوار بر ارزش‌های اساسی علم برسازد. ازین جهت نظرات مرتون سهم مهمی در روشن ساختن ابعاد مفهوم هویت دانشگاهی دارد. کلارک معتقد است تا قبل از جنگ جهانی دوم بیشتر کشورهای اروپایی به جز آلمان دارای نظام آموزشی با پوسته‌هایی سخت بودند. در این‌گونه نظام‌های آموزشی و دانشگاهی هدف بیش از آنکه تغییر علم موجود و سوق دادن آن به سمت پیشرفت باشد محافظت از هسته‌های علمی و سنت‌های آموزشی موجود بوده است. در حقیقت کلارک بزرگترین مشکل هویتی جوامع دانشگاهی را حل معضل دوگانه آموزش و تحقیق می‌داند. در حالی که در اروپای غربی و به ویژه در انگلستان و فرانسه، رسالت اصلی دانشگاه، آموزش تلقی می‌شد، موسسات تحقیقاتی خصوصی گوی سبقت را در تولید دانش از دانشگاه‌ها ربوده بودند. در همین حال در آلمان، دانشگاه محل اصلی تولید دانش و محلی برای تحقیق علمی به حساب می‌آمد تا مکانی جهت آموزش علم موجود و پیشینی. از نظر کلارک هویت دانشگاهی تا آنجا که به هویت نهاد دانشگاه به مثابه جامعه‌ای از اساتید و نخبگان پیوند بخورد؛ با مشکل غلبه آموزش بر تحقیق مواجه است. دانشگاهی که احیاناً با تعصب از اندوخته‌های علمی سابقش دفاع می‌کند؛ رسالت خود را در انتقال حداکثری آن اندوخته به دانش‌آموختگان می‌داند تا آنان نیز وارثان هویت دانشگاهی اساتید خویش باشند. اما در شکلی که هویت دانشگاهی صرفاً از قید قوانین آموزشی و آداب درون-گروهی خارج می‌شود و به شکل روحیه کلی و همه‌گیر در می‌آید؛ اولویت تغییر نسبت به آموزش در آن جدی‌تر می‌شود. در چنین فضایی است که محیط‌های دانشگاهی در درجه اول جدی‌ترین مکان‌ها برای تحقیقات هستند و در آن‌ها پرسشگری از آموزش پذیری بیشتر اهمیت می‌یابد (کلارک، ۱۹۸۳: ۱۵۲). در نهایت کلک معتقد است هویت دانشگاهی بیش از هرچیز به تعریف خود افراد از موقعیتی که در آن زیست می‌کنند بستگی دارد. به عبارتی افراد جامعه دانشگاهی، هریک از موضعی منحصر بفرد به تعریف زمینه‌ی تجربی خود از دانشگاه و احساس هویت بدان می‌پردازند. این تعریف‌ها بیش از هر چیز به جایگاه طبقاتی، خلیقات شخصی، تربیت خانوادگی و درآمد افراد بستگی دارد.

روش پژوهش

رویکرد بکار رفته در این پژوهش، کمی و روش پژوهش پیمایش است. هدف پژوهش توصیفی تحلیلی بوده و در فرآیند اجرا به صورت مقطعی صورت پذیرفت. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل دانشگاه یزد در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند که تعدادشان مطابق آمار دانشگاه ۱۲۸۷۲ نفر برآورد می‌شد. شیوه نمونه‌گیری احتمالی و از نوع طبقه‌ای بود. دانشجویان پیرامون سه متغیر جنسیت، مقطع تحصیلی و پردیس دانشگاهی به طبقات مختلف تقسیم شدند و از هر طبقه متناسب با حجم آن افرادی به شیوه تصادفی انتخاب شدند. حجم نمونه نیز مطابق با فرمول کوکران ۳۷۳ نفر برآورد شد. همچنین برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شد. برای متغیر ساختار خانواده از پرسشنامه سنجش خانواده بی‌اشتاین و بالدوین استفاده شد و متغیر سرمایه فرهنگی دانشجویان بوسیله پرسشنامه سرمایه فرهنگی یوردیو سنجیده شد. همچنین معرف‌های مربوط به متغیر شرکت در اجتماعات دانشجویی و فرهنگ آموزشی از تحقیق همتی و اصلانی (۱۳۹۴) استخراج شد. و در نهایت برای متغیرهای هویت دانشگاهی متناسب با هدف سنجش گویه‌هایی طراحی شد. پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از آزمون مقدماتی و بوسیله ضریب آلفای کرونباخ تعیین شد و برای برآورد اعتبار از اعتبار صوری و تحلیل عاملی استفاده شد. همچنین به منظور تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده شد و جهت تحلیل‌های تکمیلی از نرم‌افزار amos کمک گرفته شد.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی عرضه شده است. در بخش توصیفی، نمونه تحقیق بر حسب هرکدام از متغیرهای تحقیق توصیف شده‌اند. اطلاعات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای نیز در این بخش ارائه شده است. در بخش یافته‌های استنباطی، ابتدا فرضیه‌های پژوهش بررسی شده و در ادامه نتایج آزمون فرضیات به همراه رگرسیون گام به گام برای برآورد تأثیر متغیرها و مدل مسیر پژوهش ارائه شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت نشان می‌دهد که ۴۴/۵ درصد اعضای نمونه را مردان و ۵۵/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین ۴۱ درصد از پاسخگویان متعلق به پردیس فنی و مهندسی بودند. ۲۰/۴ درصد به پردیس علوم پایه و ۳۸/۶ درصد نیز به پردیس علوم انسانی و اجتماعی تعلق داشتند. در نهایت ۶۴ درصد پاسخگویان در مقطع کارشناسی، ۲۹ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۷ درصد در مقطع دکترا مشغول به تحصیل بودند. در جدول ۱ فراوانی پاسخگویان بر حسب سه متغیر بالا به صورت همزمان گزارش شده است.

جدول ۱- توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب جنسیت، رشته و مقطع تحصیلی

جنسیت	مقطع	رشته	فنی مهندسی	علوم پایه	علوم انسانی	مجموع
مرد	کارشناسی		۶۵	۱۳	۲۴	۱۰۲
	کارشناسی ارشد		۲۷	۶	۱۷	۵۰
	دکترا		۸	۳	۳	۱۴
	مجموع		۱۰۰	۲۲	۴۴	۱۶۶
زن	کارشناسی		۳۲	۳۵	۷۰	۱۳۷
	کارشناسی ارشد		۱۷	۱۴	۲۷	۵۸
	دکترا		۴	۵	۳	۱۲
	مجموع		۵۳	۵۴	۱۰۰	۲۰۷
مجموع	کارشناسی		۹۷	۴۸	۹۴	۲۳۹
	کارشناسی ارشد		۴۴	۲۰	۴۴	۱۰۸
	دکترا		۱۲	۸	۶	۲۶
	مجموع		۱۵۳	۷۶	۱۴۴	۳۷۳

جهت توصیف وضعیت متغیرهای مستقل و متغیر وابسته در بین پاسخگویان، برخی از مقوله‌های پاسخ در این متغیرها با یکدیگر ادغام شد و شاخصی مرکب از سه مقوله ساخته شد که وضعیت پاسخگویان در هر متغیر را در سه صفت بالا،

متوسط و پایین خلاصه می کند. جدول ۲ توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب این شاخص را برای هر متغیر نشان می دهد.

جدول ۲ - وضعیت شاخص کل متغیرها

متغیر	بالا	متوسط	پایین	
مستقل	ساختار خانواده	۴۵.۶	۵۳.۹	
	فرهنگ آموزشی	۱۲.۱	۷۴	
	سرمایه فرهنگی دانشجوی	۳۲.۲	۵۹.۵	
	شرکت در اجتماعات دانشجویی	۸.۳	۶۳.۸	
وابسته	هویت دانشگاهی	۳۱.۱	۶۷	۱.۹

توزیع درصدی پاسخگویان در جدول ۲ نشان می دهد تقریباً عموم پاسخگویان در متغیرهای مورد تحقیق نمره متوسطی دارند. در مقیاس سنجش ساختار خانواده تنها ۰/۵ درصد پاسخگویان ساختار خانوادگی ضعیف را گزارش کردند در حالی که ۴۵/۶ درصد ساختار خانوادگی قوی را گزارش کردند. در متغیرهای فرهنگ آموزشی و شرکت در اجتماعات دانشجویی، درصد افرادی که نمره پایینی کسب کردند بیش از افرادی بود که نمره بالا کسب کردند اما در مورد سایر متغیرها وضعیت برعکس بود. بطور کلی در مورد تمامی متغیرها بیشترین درصد پاسخگویان نمرات متوسطی کسب کرده بودند. جدول ۳ وضعیت ابعاد گوناگون هویت دانشگاهی را بر حسب شاخص بالا نشان می دهد.

جدول ۳ - شاخص کل ابعاد مختلف هویت دانشگاهی

هویت دانشگاهی	بالا	متوسط	پایین
بعد اخلاقی	۵۶.۸	۴۰.۲	۲.۹
بعد انتقادی	۳۲.۷	۶۳.۸	۳.۵
بعد علمی	۲۳.۳	۶۷.۳	۹.۱
بعد خلاقانه	۹.۷	۷۵.۶	۱۴.۵

بطور کلی در بین ابعاد هویت دانشگاهی بعد اخلاقی بالاترین نمره و بهترین وضعیت را در بین پاسخگویان داشته در حالی که بعد خلاقانه کمترین نمره و پایین ترین وضعیت را در میان ابعاد هویت دانشگاهی دارد. در بخش استنباطی ابتدا فرضیه های پژوهش با توجه به داده ها در معرض آزمون قرار گرفت. جدول ۴ خلاصه ای از نتایج را نشان می دهد.

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیات پژوهش

نتیجه	سطح معنی داری	آزمون	فرضیه
تایید فرضیه	۰.۰۰۴	تی مستقل	۱ میزان هویت دانشگاهی بر حسب جنسیت تفاوت می-پذیرد.
تایید فرضیه	۰.۰۰۱	F	۲ میزان هویت دانشگاهی بر حسب رشته تحصیلی تفاوت می-پذیرد.
تایید فرضیه	۰.۰۰۱	F	۳ میزان هویت دانشگاهی بر حسب مقطع تحصیلی تفاوت می-پذیرد.
تایید فرضیه	۰.۰۰۱	پیرسون	۴ بین ساختار خانواده و هویت دانشگاهی رابطه وجود دارد.
تایید فرضیه	۰.۰۰۱	پیرسون	۵ بین فرهنگ آموزشی و هویت دانشگاهی رابطه وجود دارد.
تایید فرضیه	۰.۰۰۱	پیرسون	۶ بین سرمایه فرهنگی دانشجو و هویت دانشگاهی رابطه وجود دارد.
تایید فرضیه	۰.۰۰۱	پیرسون	۷ بین اجتماعات دانشجویی و هویت دانشگاهی رابطه وجود دارد.

در فرضیه اول تحقیق، ضریب تی در درجه آزادی ۳۷۱ برابر ۲/۹۲۴- شد. همچنین میانگین هویت دانشگاهی برای زنان ۱۰۱/۵۱ و برای مردان ۹۷/۰۴ بود. بنابراین مشخص شد میانگین هویت دانشگاهی در بین زنان بیشتر از مردان است. در فرضیه دوم تحقیق، ضریب F برابر ۶/۸۹۲ شد و میانگین هویت دانشگاهی برای گروه‌های فنی و مهندسی برابر ۹۶/۳۹، علوم انسانی برابر ۱۰۰/۷۴ و علوم پایه برابر ۱۰۳/۵۲ بدست آمد و انحراف معیار نیز برای این سه گروه به ترتیب ۱۴/۸۵، ۱۴/۹۳ و ۱۳/۲۳ بدست آمد. بنابراین معلوم شد دانشجویان پردیس علوم پایه بالاترین میانگین هویت دانشگاهی را دارا هستند و دانشجویان پردیس فنی و مهندسی پایین‌ترین میانگین هویت دانشگاهی را دارند. در فرضیه سوم نیز ضریب F برابر ۱۱.۱۱۴ شد. میانگین هویت دانشگاهی در بین دانشجویان دکترا برابر ۱۰۹/۲۴ و بالاترین میانگین در بین سه گروه بود. دانشجویان کارشناسی ارشد با میانگین ۱۰۲/۳۴ و دانشجویان کارشناسی با میانگین ۹۷/۱۹ در جایگاه‌های بعدی قرار داشتند. انحراف معیار برای این سه گروه به ترتیب برابر ۱۴/۷۰، ۱۳/۴۵ و ۱۵/۴۶ بود. در فرضیه چهارم ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۳۴ بود بنابراین رابطه بین متغیر ساختار خانواده و هویت دانشگاهی از نوع مستقیم بوده و از جهت شدت متوسط ارزیابی شد. برای فرضیه پنجم مقدار ضریب همبستگی پیرسون ۰/۴۶ محاسبه شد بنابراین رابطه بین متغیر فرهنگ آموزشی با هویت دانشگاهی مستقیم و متوسط ارزیابی شد. همچنین برای فرضیه ششم ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۴۲ بوده و رابطه بین متغیر سرمایه فرهنگی دانشجو با هویت دانشگاهی مستقیم و متوسط ارزیابی شد. در نهایت برای فرضیه هفتم ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۴ محاسبه شد بنابراین رابطه بین متغیر شرکت در اجتماعات دانشجویی و هویت دانشگاهی مستقیم و متوسط ارزیابی شد.

جهت تبیین بهتر متغیرها از تحلیل چندمتغیره استفاده شد. رگرسیون چندمتغیره ابزار سودمندی برای این منظور تشخیص داده شد. جدول ۵ نتایج رگرسیون تاثیر متغیرهای مستقل بر میزان هویت دانشگاهی را نشان می‌دهد.

جدول ۵- نتایج رگرسیون تاثیر متغیرهای مستقل

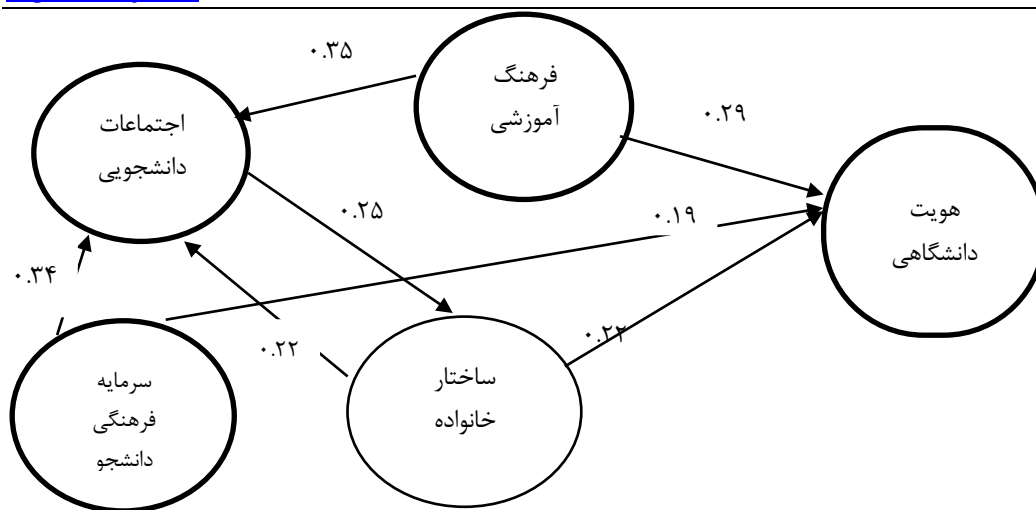
سطح معنی داری	T	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مستقل
			B	خطای معیار	
۰.۰۰۱	۴.۰۴۶		۵.۲۲۸	۲۱.۱۵۰	مقدار ثابت
۰.۰۰۱	۵.۱۳۳	۰.۲۰۸	۰.۰۵۴	۰.۲۷۹	ساختار خانواده
۰.۰۰۱	۶.۴۷۸	۰.۲۸۳	۰.۱۳۹	۰.۸۹۷	فرهنگ آموزشی
۰.۰۰۱	۵.۴۲۱	۰.۲۳۹	۰.۰۷۸	۰.۴۲۵	سرمایه فرهنگی دانشجوی
۰.۰۰۱	۴.۰۷۷	۰.۱۹۱	۰.۱۳۵	۰.۵۴۸	اجتماعات دانشجویی
۰.۰۰۱	۶.۱۷۷	۰.۲۴۹	۰.۹۶۰	۵.۹۲۸	مقطع تحصیلی
ضریب همبستگی چندگانه		ضریب تعیین		ضریب تعیین تعدیل شده	
۰.۶۶۰		۰.۴۳۶		۰.۴۲۸	

از مجموع چهار متغیر مستقل (ساختار خانواده، فرهنگ آموزشی، سرمایه فرهنگی دانشجوی و اجتماعات دانشجویی) و سه متغیر زمینه‌ای (جنسیت، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی) موجود در پژوهش پنج متغیر در مدل رگرسیون قرار گرفت. نتایج نشان داد که مجموع این پنج متغیر ۴۲ درصد از واریانس متغیر وابسته هویت دانشگاهی را تبیین می‌کنند. مابقی تغییرات به دلیل چندبعدی بودن متغیر وابسته و سایر عواملی است که بر این متغیر وابسته تاثیرگذار هستند اما در پژوهش ما در نظر گرفته نشدند.

جدول ۶- نتایج رگرسیون گام به گام

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	مدل
۰.۴۵۷	۰.۲۰۹	۰.۲۰۷	۱
۰.۵۵۶	۰.۳۰۹	۰.۳۰۶	۲
۰.۶۰۷	۰.۳۶۸	۰.۳۶۳	۳
۰.۶۴۱	۰.۴۱۰	۰.۴۰۴	۴
۰.۶۶۰	۰.۴۳۶	۰.۴۲۸	۵

جدول ۶ نتایج رگرسیون گام به گام را نشان می‌دهد. در مدل ۱ تنها متغیر فرهنگ آموزشی در نظر گرفته شده است. این متغیر به تنهایی ۲۰/۷ درصد تغییرات هویت دانشگاهی را تبیین می‌کند و بنابراین بیشترین سهم را در تبیین تغییرات هویت دانشگاهی دارد. در مدل‌های بعدی به ترتیب متغیرهای سرمایه فرهنگی دانشجوی، مقطع تحصیلی، ساختار خانواده و شرکت در اجتماعات دانشجویی به متغیر فرهنگ آموزشی افزوده شده اند و قدرت تبیین مدل را افزایش داده‌اند. همچنین سهم هر متغیر در تبیین تغییرات هویت دانشگاهی مطابق با ترتیب بالا کاهش می‌یابد. بنابراین بیشترین سهم بعد از فرهنگ آموزشی متعلق به متغیر سرمایه فرهنگی دانشجوی است در حالی که کمترین سهم در بین متغیرهای باقی مانده در مدل رگرسیون به متغیر شرکت در اجتماعات دانشجویی تعلق دارد.



شکل ۱- مدل تحلیل مسیر متغیرها

جدول ۷- اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها در مدل مسیر

کل	نوع اثر		متغیرهای مستقل
	غیرمستقیم	مستقیم	
۰.۳۵۶	۰.۰۶۶	۰.۲۹	فرهنگ آموزشی
۰.۳۳۵	۰.۰۸۵	۰.۲۵	سرمایه فرهنگی دانشجویی
۰.۲۸۹	۰.۰۶۹	۰.۲۲	ساختار خانواده
۰.۱۹	۰	۰.۱۹	اجتماعات دانشجویی

بحث و نتیجه گیری

در مجموع با استناد به چارچوب نظری تحقیق که بر پایه نظریات بوردیو بنا نهاده شد و با توجه به نتایج حاصل شده از پیمایش، می توان گفت هویت دانشگاهی متأثر از زیست افراد در دو میدان کلان، شدت و ضعف می یابد. یکی میدان دانشگاهی و دیگری میدان های فرهنگی خارج از دانشگاه، که در اینجا خانواده به عنوان یکی از مهمترین آن ها مورد بررسی جدی تر قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، متغیرهای فرهنگ آموزشی و شرکت در اجتماعات دانشجویی نماینده عوامل اثرگذار درون میدان دانشگاهی بودند و متغیرهای ساختار خانواده و سرمایه فرهنگی دانشجویی کمابیش نماینده عواملی بودند که از خارج میدان دانشگاه بر میزان پذیرش هویت دانشگاهی اثر می گذارند. همین تقسیم بندی در مورد متغیرهای زمینه ای تحقیق نیز برقرار بود؛ به گونه ای که متغیرهای مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی بیشتر منعکس کننده ترتیبات درون دانشگاهی بودند در حالی که متغیر جنسیت بیشتر انعکاس دهنده نمودهای فرهنگی میدان های خارج دانشگاه بود. می توان چنین نتیجه گیری کرد که پیدایش و تقویت سازه هویت دانشگاهی حاصل برهم کنش و تعامل سازنده این دو دسته عامل است؛ آنچنان که در دنیای واقع نیز متغیرهای مربوط به میدان های اشاره شده در تاثیر متقابلی که از یکدیگر می پذیرند قوام می یابند. همین مسئله هویت دانشگاهی را علی رغم استقلال مفهومی اش در پیوند با عوامل فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی بستر گسترده تری که دانشگاه در آن واقع است، قرار می دهد. بنابراین هویت دانشگاهی از یک سو متأثر از ارزش های جهان شمول علم شکل می پذیرد و از سوی دیگر از هویت های بومی و محلی و ملی تاثیر می پذیرد. در عین حال نتایج مدل رگرسیون نشان داد متغیر فرهنگ آموزشی تاثیر پررنگی در شکل دهی به هویت دانشگاهی دارند. این نتایج با یافته های باقری حیدری (۱۳۹۴)، همتی و اصلانی (۱۳۹۴) همخوانی دارد. با استناد به نظر بوردیو، هر میدان اجتماعی سرمایه های مخصوص به خود را دارد. این سرمایه ها متأثر از ارزش های حاکم بر آن میدان اهمیت می یابند. از طرفی ارزش های حاکم بر هر میدان خود به عادت واره مربوط به آن میدان شکل می دهد. عادت واره ها همان طرح های تفسیری هستند که الگوهای ذهنی افراد حاضر در میدان را شکل می دهد. سازه فرهنگ

آموزشی متأثر از ارزش‌ها و روش‌هایی است که در یک میدان دانشگاهی خاص وجود دارد. هویت دانشگاهی نیز سازه‌ای است که بر نوع منحصربفرد عادت‌واره دانشگاهی اشاره دارد. بدین ترتیب هویت دانشگاهی تحت تاثیر فرهنگ آموزشی قرار می‌گیرد. یعنی رویه‌های آموزشی حاکم بر محیط دانشگاه در برساختن تصور فرد از زیست دانشگاهی خود نقش مهمی ایفا می‌کند. از این رو پیوند تنگاتنگ این دو متغیر توجیه می‌گردد. متغیر سرمایه فرهنگی دانشجو که مستقیماً از مجموعه نظری بوردیو استخراج شد به مجموعه‌ای از سرمایه‌های فرهنگی اطلاق می‌شود که دانشجو با خود به میدان دانشگاه می‌آورد. هرچه فرد اندوخته بیشتری از این سرمایه‌های فرهنگی داشته باشد با ورود به میدان دانشگاه احساس قربت بیشتری با عادت‌واره دانشگاهی خواهد کرد و در نتیجه توفیق بیشتری در جهت درونی کردن هویت دانشگاهی خواهد داشت. این سرمایه‌ها عموماً به فرد در جهت فهم بهتر مسائل و ایجاد ارتباطات مفید کمک می‌رساند. همانگونه در مدل تحلیل مسیر نشان داده شد متغیر سرمایه فرهنگی در میزان شرکت در اجتماعات دانشجویی نیز کمک می‌رساند. نتایج در مورد متغیر سرمایه فرهنگی دانشجو با یافته‌های تمنا و صمدی (۱۳۹۵)، افراسیابی و خوبباری (۱۳۹۴)، باقری حیدری (۱۳۹۴) همخوانی داشت. از طرفی دیگر به نظر می‌رسد که در میدان دانشگاه علاوه بر فرهنگ آموزشی که اغلب جنبه رسمی و عمومی دارد؛ یک خرده فرهنگ مهم نیز وجود دارد. این خرده فرهنگ اثرگذار، توسط اجتماعات و محافل مختلف رسمی یا غیررسمی دانشجویی ایجاد می‌شود. یکی از مهمترین وجوه تفاوت دانشگاه با سایر محیط‌های علمی در وجود یک چنین اجتماعاتی است. بطور کلی یک دانشجو علاوه بر ساعاتی که بطور رسمی و به منظور شرکت جستن در کلاس‌ها یا انجام تکالیف و تحقیقات در دانشگاه حضور می‌یابد؛ این امکان را دارد که اوقاتی را به صورت آزاد در دانشگاه سپری کند. این زمان‌ها عموماً به تعامل با دیگر دانشجویان یا حضور در اجتماعات دانشجویی اختصاص می‌یابد. از همین رو بخش قابل توجهی از ذهنیت فرد نسبت به دانشگاه یا برداشت وی از زیست دانشگاهی خود از این طریق ساخته می‌شود. شکل و میزان هویت دانشگاهی با میزان تجربه‌های یک دانشجو از حضور و فعالیت در چنین اجتماعاتی ارتباط دارد. از همین رو بنظر می‌رسد یکی از ارکان تقویت هویت دانشگاهی توجه به محیط‌ها و اجتماعاتی باشد که بوسیله خود دانشجویان برپا شده و مدیریت می‌گردد. حضور در این محیط‌ها باعث تعلق خاطر بیشتر فرد به هویت دانشگاهی خویش می‌شود. نتایج در مورد متغیر شرکت در اجتماعات دانشجویی همچنین با یافته‌های همتی (۱۳۹۳) و کوگان (۲۰۰۰) همخوانی داشت. در نهایت نتایج پژوهش فرض وجود رابطه بین ساختار خانواده و هویت دانشگاهی را تایید کرد. این نتایج با یافته‌های دافی (۲۰۱۳) همخوانی داشت. با توجه به نظریه بوردیو عادت‌واره حاکم بر محیط دانشگاهی متأثر از عادت‌واره‌های حاکم بر طبقات بالای جامعه شکل می‌پذیرد. ارزش‌های میدان دانشگاه در قربت با ارزش‌های کلی حاکم بر فرهنگ است. همین ارزش‌هاست که ساختارهای حاکم بر خانواده‌های مختلف را متمایز می‌سازد. گرچه تعمیم کامل نظر بوردیو بر جامعه ایران دشوار می‌نماید اما بنظر می‌رسد مبنای استنتاجی بوردیو تا حد زیادی بر وضعیت جمعیت مورد بررسی پژوهش حاضر نیز منطبق است. با فرض ارتباط بین ساخت‌های طبقاتی در جامعه با ساختارهای حاکم بر خانواده، می‌توان گفت برخی از این ساختارها در درونی کردن دسته‌ای از روحيات و ارزش‌ها که با عادت‌واره سازنده هویت دانشگاهی قربت بیشتری دارند موفق‌ترند. بطور کلی خانواده‌های همدل و با روحیه مشارکت بالا ارزش‌هایی متناسب با میدان دانشگاه در افراد ایجاد می‌کنند.

به‌طور کلی می‌توان سازه هویت دانشگاهی را برساخته از دو پیوستار کلی در نظر گرفت. یکی پیوستاری است که میدان‌ها و عادت‌واره‌های متعلق بدان‌ها را نمایندگی می‌کند. در این پیوستار میدان دانشگاهی در یک سر طیف قرار می‌گیرد و میدان خانواده در سر دیگر طیف. پیوستار دوم نمودار ارزش‌های خرد تا کلان است که در یک سر آن ارزش‌های کلی و بی‌وطن علم قرار دارد و سر دیگر آن ارزش‌های بومی و محیطی دانشگاه مورد نظر قرار دارد. آنچه در فهم و تحلیل هویت دانشگاهی اهمیت دارد توجه همه‌جانبه و همزمان به تمامی این ابعاد است.

پیشنهادات و محدودیت‌ها

در زیر برخی از پیشنهادات کلی و پژوهشی مربوط به تحقیق حاضر آمده است.

۱. هویت دانشگاهی مفهومی وسیع و چندبعدی است که از برهم کنش خرده‌فرهنگ‌های مختلف رشته‌ای در میدان دانشگاه ایجاد می‌شود. این خرده‌فرهنگ‌ها بر همدیگر تاثیر متقابل می‌گذارند و در مجموع سازه هویت دانشگاهی را پربار می‌سازند. دانشگاه تبدیل به عرصه‌ای می‌شود که دانشجویان از رشته‌های مختلف با یکدیگر تعامل می‌کنند و از فضای کلی حاکم بر علوم مختلف آگاهی می‌یابند. این آگاهی کلی بخش مهمی از همان عادت‌واره مشترک دانشجویان است که حفظ و بقا آن در گرو تداوم همزیستی رشته‌های مختلف در کنار یکدیگر است. بنابراین باید سعی شود حتی الامکان

دانشگاه‌ها سیمای یک دانشگاه جامع داشته باشند. تخصصی کردن و تکه پاره کردن بیش از اندازه محیط‌های علمی از ایجاد یک هویت دانشگاهی پربار جلوگیری می‌کند

۲. به نظر می‌رسد که کانون‌ها و انجمن‌های دانشجویی، یکی از عرصه‌های مهم جهت بهبود هویت دانشگاهی است. همانگونه که نتایج پژوهش نیز نشان داد فعالیت در اجتماعات دانشجویی مختلف بر میزان هویت دانشگاهی اثر معناداری می‌گذارد. انجمن‌ها و کانون‌ها زمینه‌های مناسبی برای تمرین و تقویت مهارت‌های ارتباطی و کار گروهی است از همین رو مدیران دانشگاهی (و بطور خاص مدیران دانشگاه یزد) باید به کمیت و کیفیت حضور این کانون‌ها و انجمن‌ها توجه جدی نمایند.

۳. هویت دانشگاهی متعلق به میدان دانشگاه است و دانشگاه تقریباً به‌عنوان یک نهاد اجتماعی مدرن شناخته می‌شود که همراه با بسیاری دیگر از محصولات مدرنیته وارد ایران شده است. این درحالی است که در سنت فکری و اجتماعی ما پیش از ورود دانشگاه، حوزه‌های علمیه نقشی مشابه ایفا می‌کردند. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی مقایسه‌هایی تطبیقی بین هویت‌های برساخته از میدان دانشگاه و هویت‌های حوزوی انجام شود تا از رهگذر نتایج بدست آمده نقاط قوت و ضعف هرکدام از این انواع هویت‌ها مشخص گردد.

۴. با توجه به تعریف مفهوم هویت، که بر برداشت‌های شخص از وجوه تشابه و تمایز خود با گروه‌های اجتماعی تکیه دارد، وجوب پژوهشی کیفی که به برداشت دانشجویان از هویت دانشگاهی خویش می‌پردازد احساس می‌شود. این نوع پژوهش‌ها همچنین موجب غنی‌تر شدن زمینه نظری در مورد ایده هویت دانشگاهی در ایران می‌شود. پیشنهاد می‌شود در حوزه موضوع هویت دانشگاهی تحقیقاتی کیفی نیز صورت پذیرد.

۵. با توجه به وجوه متفاوت و غیرقابل اغماض بوم‌ها و فرهنگ‌های مختلف، استفاده از نظریه‌های خارجی برای تعیین چارچوب نظری در پژوهش حاضر سبب گشته که بسیاری از لایه‌های مفهومی و زوایای موضوع هویت دانشگاهی همچنان از نظر دور داشته شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از نظریات نظریه‌پردازان بومی بیشتر بهره گرفته شود.

منابع و مراجع

منابع فارسی:

۱- اعزازی، شهلا (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی خانواده؛ با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر.

تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

۲- افراسیابی، حسین؛ خویباری، فهیمه (۱۳۹۴). هویت دانشجویی و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان

دانشگاه‌های یزد. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۱، شماره ۴، ۱۹-۱.

۳- باقریان‌فر، مصطفی؛ سیادت، علی؛ لهرابی، یعقوب (۱۳۹۷). تبیین مولفه‌های هویت اجتماعی دانشجویان بر

اساس استفاده از برنامه‌های پیام‌رسان، جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه

اصفهان)، دوره ۲۹، شماره ۴، ۷۹-۹۸.

۴- باقری حیدری، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی عوامل موثر بر هویت دانشگاهی در بین دانشجویان (مطالعه موردی

دانشگاه‌های پیام‌نور، آزاد و غیرانتفاعی)، نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره ۵، شماره ۴، ۵۸۷-۶۰۰.

۵- بی‌بی، ازل (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول). ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.

- ۶- بقایی، علی و محمدجواد اسماعیلی (۱۳۸۸). عوامل اجتماعی موثر بر هویت دانشگاهی دانشجویان آزاد اسلامی. پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۴.
- ۷- بوردیو، پیر (۱۳۹۶). انسان دانشگاهی. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: پارسه.
- ۸- بوردیو، پیر (۱۳۹۵). تمایز (نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی). ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- ۹- بوردیو، پیر (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیپناه، تهران: نقش و نگار.
- ۱۰- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- ۱۱- تمنا، سعید؛ صمدی، سمیه (۱۳۹۵). رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال ۲۲، شماره ۱، ۹۹-۱۲۶.
- ۱۲- توکل، محمد (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی علم، تهران: نص.
- ۱۳- دواس، دی ای د (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نی.
- ۱۴- رجب رضایی، فرهاد؛ عباس زاده، محمد؛ مظفری، امین (۱۳۹۴). بررسی رابطه فرهنگ رشته‌ای با انواع فرهنگ‌های دانشگاهی، جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، دوره ۲۶، شماره ۴، ۱-۲۴.
- ۱۵- ریتزر، جرج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران مدرن. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
- ۱۶- سیدمن، استیون (۱۳۸۶). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- ۱۷- فاضلی، نعمت ا...؛ طالبیان، حامد (۱۳۹۰). علل قوام‌نیافتگی هویت دانشگاهی در میان دانشجویان متعلق به طبقات متوسط مدرن در ایران، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، سال ششم، شماره ۱۸، ۱۳۴-۱۷۷.
- ۱۸- فاضلی نعمت ا... (۱۳۸۷). فرهنگ و دانشگاه: منظرهای انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی. تهران: ثالث.
- ۱۹- فراستخواه، مسعود (۱۳۸۸). دانشگاه و آموزش عالی، تهران: نی.

۲۰- فیشر، رابرت (۱۳۹۰). داستان‌هایی برای فکرکردن(سی داستان، سی مضمون). ترجمه جلیل شاهی

لنگرودی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲۱- قانع‌راد، محمدمین(۱۳۸۵). نقش تعاملات دانشجویان و اساتید در تکوین سرمایه اجتماعی دانشگاهی.

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱. ۵۲-۷۴.

۲۲- قانع‌راد، محمد امین(۱۳۸۴). جامعه‌شناسی رشد و افول علم در ایران، تهران: مرکز تحقیقات.

۲۳- کالینز، جردن(۱۳۹۳). مددکاری اجتماعی کار با خانواده، ترجمه فریده همتی، تهران: سمت.

۲۴- کوگان، موریس(۱۳۸۶). اجتماعات آموزش عالی و هویت دانشگاهی. ترجمه جلیلی کریمی. تهران:

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۲۵- گیدنز، آنتونی(۱۳۸۸). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه محسن چاووشیان، تهران: نشر نی.

۲۶- محسنی تبریزی، علیرضا؛ محمود قاضی طباطبایی و سیدهادی مرجانی(۱۳۸۹). تاثیر مسائل و چالش‌های

محیط علمی بر جامعه‌پذیری دانشگاهی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال اول، شماره سوم، ۵۰-۸۹.

۲۷- مهران، بهروز؛ ساکتی، پرویز؛ مسعودی، اکبر؛ مهرمحمدی، محمد (۱۳۸۵). نقش مولفه‌های برنامه درسی

پنهان در هویت علمی دانشجویان، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال اول، شماره ۳، ۳-۲۷.

۲۸- ودادهیر، ابوعلی(۱۳۹۰). شیوه‌های جدید تولید دانش و علم‌ورزی: تاملی جامعه‌شناختی بر تحول معیارهای

اخلاقی و سلوک علمی در عرصه علم و فناوری، مجله اخلاق در علوم و فناوری، سال ششم، شماره ۱، ۵۴-

۸۵.

۲۹- همتی، رضا؛ اصلانی، شهناز(۱۳۹۴). عوامل موثر شکل‌گیری هویت دانشگاهی دانشجویان با تاکید بر نقش

اینترنت، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۱، شماره ۳، ۱۲۱-۱۴۹.

۳۰- همتی، رضا؛ کیانپور، مسعود؛ اصلانی، شهناز (۱۳۹۳). گونه‌شناسی هویت دانشگاهی و ارتباط آن با منابع

درون دانشگاهی هویت‌یابی، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال چهارم، شماره چهارم، ۵۶۰-۵۸۴.

منابع لاتین:

31- Becher, T. (1987). "The Disciplinary Shaping of the Profession". In: B.R.

Clark (Ed.). The Academic Profession. University of California Press.

- 32- Brennan, J. & K. Patel (2008). "Student Identities in Mass Higher Education". In: Alberto Amaral, Ivar Bleiklie & Christine Musselin (Eds.). *From Governance to Identity: A Festschrift for Mary Henkel*. Springer.
- 33- Carlone, Heidi B. & Angela Johnson (2007), "Understanding the Science Experiences of Successful Women of Color: Science Identity as an Analytic Lens", *Journal of Research in Science Teaching*, 44(8).
- 34- Clark. B. R (1983), "The Higher Education System, Academic Organization in Cross-National Perspective", London: University of California Press.
- 35- Clegg, S. (2005). "Academic Identities under Threat?". *British Educational Research Journal*, 34, 3: 329-345.
- 36- Duffy, Richelle (2013). "Academic roles and the formation of personal academic identities". *Nurse Education Today*, 33(6): 620-624.
- 37- Henkel, M. (2000). "Academic Identities and Policy Change in Higher Education. London": Jessica Kingsley.
- 38- Komarraju M. & Dial C. (2014). "Academic identity, self-efficacy, and self-esteem predict self-determined motivation and goals". *Learning and Individual Differences*, 32: 1-8.
- 39- Kogan, M. (2000). "Higher Education Communities and Academic Identity". *Higher Education Quarterly*, 54, 3: 207-216.
- 40- Luzon, M.J. (2018). "Constructing academic identities online: Identity performance in research group blogs written by multilingual scholar". *Journal of English for Academic purposes*, 33: 24-39.
- 41- Valimaa, J. (1998). "Culture and Identity in Higher Education Research". *Higher Education*, 36, 2: 119-138.

- 42- White M. A. (2018). "A mixed methods exploration of the relationship between the racial identity, science identity, science self-efficacy, and science achievement of African American students at HBCUs". *Contemporary Educational Psychology*,3.
- 43- Winter, R. (2009). "Academic Manager or Managed Academic? Academic Identity Schisms in Higher Education". *Journal of Higher Education Policy and Management*, 31, 2: 121-131.